

پایان کار آزادکاران با برنز زارع

امیرحسین زارع نماینده وزن ۱۲۵ کیلوگرم کشتی آزاد ایران، به مدال برنز المپیک رسید تا کار کشتی ایران با یک مدال نقره و یک مدال برنز در توکیو به پایان برسد.

زارع در دور اول الکساندر خوستیانویسکی دارنده مدال برنز جهان از او کرایس را هفت بر صفر شکست داد و در دور بعد با آگرون شالا از کوزوو مصاف داد و با نتیجه ۱۳ بر دو به پیروزی رسید.

گنو پتر باشویلی قهرمان جهان از گرجستان حریف زارع در نیمه نهایی بود که در نهایت کشتی گیر جوان کشورمان با نتیجه ۶ بر سه مقابل این کشتی گیر مغلوب شد. وی در دیدار رده بندی مقابل ژئی وی دنژ از چین با نتیجه پنج بر صفر به برتری رسید تا به مدال برنز دست یابد.

به این ترتیب تیم ملی کشتی آزاد ایران که با ۶ سهمیه کامل و با سر مربیگری غلامرضا محمدی عازم المپیک توکیو شده بود، با یک مدال نقره حسن یزدانی در وزن ۸۶ کیلوگرم و یک برنز امیرحسین زارع در سنگین وزن به کار خود در این رقابت ها پایان داد. رضا اطری در وزن ۵۷ کیلوگرم پنجم شد و مرتضی قیاسی در ۶۵، مصطفی حسین خانی در ۷۴ و محمدحسین محمدیان در وزن ۹۷ کیلوگرم نیز با نمایشی ضعیف از دور رقابت ها کنار رفتند.

حذف این سه کشتی گیر ایران در حالی رخ داد که قیاسی فقط یک برد مقابل تونس به دست آورد اما حسین خانی و محمدیان بدون کسب پیروزی و در همان دور نخست به ترتیب با شکست مقابل کشتی گیران آمریکا و گرجستان خیلی زود از دور رقابت ها کنار رفتند.

پیش از این نیز کشتی فرنگی ایران که پنج سهمیه به دست آورده بود، توسط محمدرضا گرابی به مدال طلا رسید و محمدهادی ساروی هم مدال برنز را از آن خود کرد. به این ترتیب تیم ۱۱ نفره کشتی آزاد و فرنگی ایران که انتظار می رفت سهم بیشتری از مدال های توکیو داشته باشند، با چهار مدال به کار خود در توکیو پایان دادند.



با این وجود کشتی بار دیگر نشان داد که تنها رشته ای است که می توان روی آن در المپیک ها حساب باز کرد و صحبت هایی که بارها از سوی کشتی گیران و مسئولان این رشته در راستای نیاز به حمایت های بیشتر به گوش می رسد، کاملاً قابل قبول به نظر می رسد. حسن یزدانی تنها کشتی گیری بود که سابقه حضور در المپیک را داشت و سایر نفرات چه در فرنگی و چه آزاد نخستین میدان المپیک را تجربه کردند و چه بسا که برخی از آنها مثل محمدعلی گرابی می توانستند جزو مدال آوران باشند یا حتی محمدهادی ساروی به مدال خوشترنگ تری برسند.

در هر حال کشتی ایران باید به زودی در میدان جهانی حضور پیدا کند. پس از آن بازی های آسیایی در پیش است و سه سال دیگر هم به سرعت چشم بر هم زدنی المپیک بعدی از راه می رسد. پس با توجه و حمایت و برنامه ریزی خوب می توان به کشتی ایران امید بیشتری در المپیک پاریس داشت.

طلای جواد فروغی در تیراندازی و نقره علی داوودی در وزنبرداری دیگر مدال های کاروان ناکام ایران بود. هر چند ورزش ایران هنوز دو نماینده در کاراته دارد که امید می رود بتوانند تعداد مدال های کاروان ایران را بیشتر کنند. حمیده عباسعلی و سجاد گنج زاده هنوز کارشان در توکیو آغاز نشده است. دو ستاره ای که هدف شان فتح سکوی قهرمانی است. سارا بهمنیار دیگر کاراته کای ایران بود که در توکیو در خشان ظاهر شد اما نتوانست خودش را به مدال برساند.

او در مبارزه نخست خود مقابل سرراپ اوزچلیک دارنده مدال طلای جهان از ترکیه و نفر اول رنکنینگ با نتیجه پنج بر چهار به برتری رسید اما در دومین مبارزه مقابل ون تزویان نفر دوم رنکنینگ وزن ۵۵- کیلوگرم از چین تاییه پنج بر یک شکست خورد و از دور رقابت ها کنار رفت.

جدایی مسی، شوک تاریخی به دنیای فوتبال

خدا حافظ اسطوره

همه چیز برای تمدید قرارداد لئو مسی با بارسا، آماده به نظر می رسید. پدر لیونل برای رسمی کردن این توافق در باشگاه بود و حتی بارسا با آماده کردن یک بیانیه، می خواست این تمدید را جشن بگیرد. یک پیچ داستانی وحشتناک اما، همه چیز را تغییر داد. بارسا به دلیل قوانین سختگیرانه مالی لالیگا و به خاطر انبوه بدهکاری های مالی، نتوانست این قرارداد را ثبت کند. اتفاقی که به جدایی «جباری» بهتر نیز با یک تاریخ ساز از این باشگاه انجامید. نه فقط برای هواداران آبی واناری، بلکه این اتفاق برای همه هواداران فوتبال در دنیا، یک شوک تاریخی بوده است.

بین او و تیم محبوبش به مرحله صلح رسیده است. این رابطه، دوباره ترمیم شده بود و همه آماده به نظر می رسیدند تا توافق جدیدی را تجربه کنند. توافقی که قرار بود لئو را برای دو فصل دیگر، در بارسا نگه دارد. خبر رسمی جدایی او اما، به یک کابوس وحشتناک برای طرفداران بلوگرانا تبدیل شد. آنها تصور نمی کردند که لئو را با پیراهن باشگاه دیگری در فوتبال اروپا ببینند اما حالا دیگر راه فراری از این حقیقت وجود ندارد. آنها باید خودش را برای وداع با بهترین گل زن تاریخ باشگاه، بهترین گل زن تاریخ لالیگا و برنده بیشترین توپ طلا در تمام تاریخ آماده کنند. افسوس بزرگشان هم این است که وقتی لیونل توپ طلای هفتمش را می گیرد، پیراهن باشگاه دیگری را بر تن کرده است.

از دست دادن نابغه ای مثل مسی بدون شک یک ضربه بزرگ برای اعتبار لالیگا خواهد بود. لیگی که ظرف چند هفته هر دو کاپیتان محبوب رنال مادرید و بارسا را از دست داده است. لیگی که حتی قادر به حفظ چنین ستاره ای نباشد. طبیعتاً تم جدی گرفته خواهد شد. همزمانی این اتفاق با پیوستن جک گریلیش به سیتی با یک قرارداد صد میلیون یورویی، نشان می دهد که بین لیگ برتر و لالیگا چه تفاوت هایی

هیچ کس در تمام دنیا، نمی تواند زندگی لئو مسی را جدا از بارسا تصور کند. این همان باشگاهی بود که به لیونل، فرصت درخشیدن در سطح حرفه ای داد. این همان باشگاهی بود که همه هزینه های درمان او را پرداخت کرد و در نوجوانی، به صیقل خوردن الماس متولد روزاریو کمک کرد. پسر بچه ای که در لاماسیازرگ شده بود، خیلی زود خودش را در تیم اصلی جا انداخت. او در همان اولین سال ها آنقدر درخشیده بود که وقت جدایی رونالدینیو، هیچ کس تردید نداشت که بهترین وارث برای پیراهن شماره ۱۰ بلوگرانا، چه کسی است. حالا کاتالان ها چنین جانشینی برای مسی ندارند. آنها مهم ترین، درخشان ترین و بزرگ ترین ستاره تاریخ شان را از دست می دهند. قبل از ظهور این نابغه، باشگاه فقط دو بار در طول تاریخ قهرمان لیگ قهرمانان اروپا شده بود اما با نمایش های اجاب آور لئو مسی، آنها سه بار این جام را فتح کردند.

لیونل در حقیقت، تاریخ باشگاه را تغییر داد و کاری کرد که بارسا، به جام گرفتن در سال های متمادی عادت کند. این اواخر، شرایط تیم اصلاً خوب نبود و لئو حتی تا یک قدمی ترک بارسا هم رفت اما در نهایت به نظر می رسید همه چیز

چهره به چهره

تو کارستان کردی پهلوان

بخندیم تا حسن نگرید

آرژانتاری

اهل حرف زدن و متصل کردن جمله ها به هم نیست. حسن در واکنش به شاهکارش در المپیک توکیو، فقط سه کلمه به زبان می آورد «شرمندم مردم شدم». همان موقع، همه مردم آرزو می کنند که کاش چنین روحیه ای، در برخی از مسئولین هم وجود داشت. کاش چهره های سیاسی هم با همین روحیه برای مردم کار می کردند. حسن حقیقتاً یک اعجوبه است اما دوست داشتن او را نمی توان تنها به اتفاقات دنیای کشتی مربوط دانست. او به خاطر



اتفاق روز

پایان یک دوران سیاه برای ورزش ایران

مثل سلطانی فر نباشید

لا به لای همه خبر های بدی که در ورزش ایران رخ می دهند، خبر پایان دوران وزارت سلطانی فر، خبر امیدوار کننده ای به نظر می رسد. انتخاب او در جایگاه وزیر ورزش، از همان ابتدا هم یک گناه ناخوشدونی بود. کاروانی که در المپیک لندن چشم ها را خیره کرد و پشت سر هم طلا گرفت، در سایه تدابیر آقای وزیر در توکیو با بحران شکست روبه رو شد و به تک مدال ها بسنده کرد.

برای آن که بدانید آقای وزیر از ظرفیت کشور ۸۰ میلیونی ایران چطور استفاده کرده، کافی است بدانید

قرار داد و حالا دیگر یک دوران رویایی و فراموش نشدنی در این تیم برای همیشه به پایان رسیده است.



از دست دادن نابغه ای مثل مسی بدون شک یک ضربه بزرگ برای اعتبار لالیگا خواهد بود. لیگی که ظرف چند هفته هر دو کاپیتان محبوب رنال مادرید و بارسا را از دست داده است. لیگی که حتی قادر به حفظ چنین ستاره ای نباشد، طبیعتاً تم جدی گرفته خواهد شد

مقصداً احتمالی فوق ستاره بارسا، بی اس جی خواهد بود. او به احتمال زیاد به لیگ فرانسه می پیوندد تا در یکی از کپکشانی ترین تیم های تاریخ، باراموس، مارکینیوش، اشرف حکیمی، مارکووراتی، لئو پاردس، آنخل دی ماریا، نیمار، ایکاردی و کلیان امپا به همبازی شود. پارسی هادر همان فصلی که چند ستاره جدید را بدست می دهد بسیار سنگین به خدمت گرفته اند، باید خودش را برای پرداخت دستمزد سنگین لئو مسی آماده کنند. این اتفاق، «فیر پلی مالی» را به یکی از بزرگ ترین شوخی های دنیای فوتبال تبدیل خواهد کرد. به نظر می رسد پارسی ها در حال دریافت پاداش مخالفت با سوپر لیگ اروپا از سوی یوفا هستند. با این روند دیگر هیچ باشگاه بزرگی نمی تواند با آنها و البته منجسترسیتی رقابت کند. فوتبال فعال روی کاکل مدیران نفتی/عربی می چرخد و آنها در حال از بین بردن رقابت برابر در مستطیل سبز هستند.

نداشت. با این حال، او مردانه جنگید و باز هم نشان داد که چقدر استثنایی است. او نشان داد که چطور تا آخرین نفس، به مبارزه ادامه می دهد و رقیب را یک به یک کنار می زند. کاری که حسن تا امروز انجام داده، یک تاریخ سازی تمام عیار است. نباید انتظار داشت که حسن در ۲۶ سالگی، با همان آمادگی ۲۲ سالگی به میدان برود. نباید فراموش کرد که او در دو سال گذشته، هم مصدومیت های سنگین را تجربه کرده و هم کرونا را پشت سر گذاشته است. امکانات کشتی گیری مثل حسن یزدانی، هرگز قابل مقایسه با چهره های مثل دیوید تیلور آمریکایی نیست. با این حال عملکرد او در المپیک، همچنان درخشان بوده است. او با دو پیروزی مقتدرانه، خودش را به نیمه نهایی رقابت های المپیک رساند. قرعه حسن برای رسیدن به فینال، به مراتب دشوارتر از تیلور به نظر می رسید، چرا که او باید در نیمه نهایی با حریف سرسخت روس روبه رو می شد. حریفی که با کنده دیر هنگام یزدانی، نتیجه را هفت - یک به او واگذار کرد. فشار این چند مسابقه برای یزدانی آنقدر زیاد بود که او در اواخر مسابقات، ساد نیست و لحظات سختی برای با نقشه مشخصی روبه روی تیلور قرار گرفت و نمایشی کاملاً اصولی مقابل این حریف بسیار بزرگ داشت. او تصمیم داشت به زیر کتف تیلور ضربه بزند و کار را به کناره های تشک بکشاند. این نقشه در وقت اول، کاملاً جواب داد و حسن را

محبوب بودنش در اوج قهرمانی، به خاطر سر به زبری و آرامش همیشگی و به خاطر تلاشی که برای خوشحال کردن یک ملت انجام داده، سزاوار ستایش است. حتی اگر در المپیک به یک مدال برنز هم نرسد. حتی اگر در همان اولین مسابقه شکست بخورد و حذف شود. حسن در توکیو، فشار وحشتناکی را تحمل می کرد. او بار زیادی را به دوش می کشید و همین مساله، برایش دردسز ساز بود. همه انتظار داشتند او به تنهایی، مردم ایران را خوشحال کند. همه انتظار داشتند یک ورزشکار به تنهایی، به طلسم خیر های بد پایان دهد. تحمل فشاری، هرگز ساده به نظر نمی رسد. فشاری که حداقل چهار سال قبل در ریو، روی شانه های این قهرمان کشتی وجود

مقابل تیلور پیش انداخت. این برتری تا آخرین ثانیه ها هم ادامه داشت اما ۱۵ ثانیه لعنتی آخر، همه چیز را خراب کرد. اگر حسن روبه روی همین زیر آخر مقاومت به خرج می داد، حالا مدال طلا توی دست هایش بود اما در دنیای ورزش، فرصتی برای بازگشت به گذشته وجود ندارد و ستاره ها باید با عواقب تصمیم های لحظه ای شان به زندگی ادامه بدهند. یزدانی همین حالا هم پس از تختی، دومین کشتی گیر پرافتخار تاریخ ایران در رقابت های المپیک به شمار می رود اما او آنقدر جاه طلب است که به همین سادگی، با این اتفاق ارضای نشود.

ورزش ایران، باید مراقب این استعداد بزرگ باشد. او سه سال دیگر در پاریس، می تواند به سلطه تیلور بر این وزن پایان بدهد. حتی خود تیلور افسانه ای، تاکید کرده که این سخت ترین حریف همه زندگی ورزشی اش بوده و در لحظات پایانی، فقط شانسش را امتحان کرده است. حتی جردن باروز هم لب به تحسین از این ستاره گشوده دست روی این نکته گذاشته که حسن نباید از هیچ چیز شرمند باشد. روبه رو شدن با این شکست، ساده نیست و لحظات سختی برای یزدانی خواهد ساخت اما او باید دوباره برگردد و خودش را به اوج نزدیک کند. حسن با تجربه ای که حالا به دست آورده، سه سال دیگر می تواند روی سکوی اول المپیک برود. موقعیتی که بیشتر از هر جای دیگری به آن تعلق دارد.

مقابل ورزش ایران گذاشته است. علاوه بر این، تلاش همیشگی این وزارت برای جهت دادن به ترکیب فدراسیون ها هم تا امروز نتایجی بسیار بد به همراه داشته و عملاً موتور ورزش در ایران را متوقف کرده است.

گاهی حتی یک دلجویی ساده، می توانست ذهنیت ورزشکاران را تغییر بدهد اما سلطانی فر با توجه به غریبه بودن با جو ورزش، هرگز رابطه خوبی با ستاره ها برقرار نکرد. شاید ستاره های درخشانی مثل سعید ملایی و کیما علیزاده با یک دلجویی معمولی و شنیده شدن حرف های شان، در ورزش ایران ماندگار می شدند اما رفتند و در المپیک زیر پرچم های دیگری درخشیدند. هیچ دورهای در این چند دهه به اندازه دوران سلطانی فر، ستاره های مختلف را از ورزش ایران فراری نداده است. در حوزه فوتبال هم سلطانی فر یک بازنده تمام عیار بود. او از یک جهت، هرگز نتوانست رضایت

استقلالی ها را به دست بیاورد و از جهت دیگر، با برخی رفتارها کاری کرد تا بخشی از موفقیت های بزرگ پرسپولیس، با تردیدهایی مواجه شوند. هنوز معلوم نیست چه کسی به جای او بر مسند مدیریت ورزش خواهد نشست اما کاش این دوره، برای ورزش ایران کاملاً متفاوت باشد. کاش قهرمان ها حفظ شوند و به سادگی کوچ نکنند، کاش قدر سرمایه های بزرگ این ورزش را بدانیم و آنها را به سادگی از دست ندهیم، و البته کاش مجلس شورای اسلامی در هر شرایطی به وزیر ورزش «مصونیت» ندهد. اتفاقی که در دوران سلطانی فر رخ داد و عملاً جلوی هر گونه پیشرفت را در وزارت ورزش گرفت. کاش وزیر جدید و اطرافیان، کمی با حال و هوای ورزش آشنا تر باشند و بدانند که دارند چه تصمیم های سرنوشت سازی برای ورزش ایران می گیرند.